



سینما

«پسر کشی» جای «خورشید» را گرفت

فیلم سینمایی «پسر کشی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمدهادی کریمی وارد بخش مسابقه جشنواره شد. به گزارش «وطن امروز» دبیرخانه جشنواره فیلم فجر درباره حضور فیلم «پسر کشی» در جشنواره اعلام کرد: نظر به اینکه فیلم سینمایی «خورشید» به کارگردانی مجید مجیدی و تهیه‌کنندگی آقایان بنان و مجیدی به دلیل طولانی شدن مراحل فنی فیلم، تا زمان مقرر آماده نمایش نشد و با توجه به مقررات اعلامی، فیلم سینمایی «پسر کشی» جایگزین فیلم «خورشید» در جدول نمایش شد.

بالاخره مجوز اکران

«دیدن این فیلم جرم است» صادر شد
پروانه نمایش «دیدن این فیلم جرم است» به کارگردانی رضا زهتاپیچیان صادر شد. به گزارش «وطن امروز»، با گذشت حدود یک سال از نخستین درخواست رسمی عوامل فیلم «دیدن این فیلم جرم است» برای اکران عمومی، شورای صدور پروانه نمایش در جلسه دیروز ۱۴ بهمن‌ماه پروانه نمایش فیلم سینمایی «دیدن این فیلم جرم است» را صادر کرد.

همراه با سینماهای مردمی فجر

یادداشتی بر فیلم سینمایی «لباس شخصی» اولین ساخته امیرعباس ربیعی توده در تور اوج



محمدصالح سلطانی: بله! می‌شود. بدون حتی یک بازیگر شناخته‌شده هم می‌شود. بدون ادعا و ادا هم می‌شود. آرام و نجیبانه هم می‌شود. و «لباس شخصی» این را به بینندگان اثبات می‌کند. یک ماجراجویی سینمایی جسورانه از کارگردانی جوان با یک تیم جوان که گردوخاک را روی یکی از پرونده‌های متروک تاریخ معاصر برداشته و مخاطب را غافلگیر می‌کند. ماجرای فیلم در سال ۱۳۶۱ می‌گذرد و دست روی همسایه شمالی می‌گذارد. روس‌ها و کمونیسم در سینمای سیاسی - تاریخی ایران، سهم اندکی دارند. شاید فقط کمی در «استرداد» علی غفاری بشود. ردشان را پیدا کرد. لباس شخصی اما تام‌واتم دربارۀ ناواریش‌ها و دوستان ایرانی آنهاست؛ درباره پدیده مرموز و کمترشناخته‌شده‌ای به نام حزب توده. مستقل از سایر جنبه‌ها، اولین فیلم امیرعباس ربیعی در اولین گام، کوهی از اطلاعات تاریخی بکر را در اختیار مخاطبان جوانش قرار می‌دهد و همین، اصلاً دستاورد کمی نیست. ضربانگ لباس شخصی، تند و همگام با شتاب اتفاقات است. قهرمان قصه، ذره‌ذره به پیچیدگی‌های پرونده قدم می‌گذارد و خودش هم تبدیل به شخصیتی پیچیده می‌شود. هم‌نشینی با نرده‌های از دُوب‌شدن در رصد آنها، «یا سر» را وارد بازی‌های خطرناکی می‌کند و فن و ماستر را می‌برد. در جای‌جای لباس شخصی، ردپای «ماجرای نیمروز» را می‌شود دید. عناصر زیادی در این فیلم هستند که خواهان‌خواه مخاطب را به یاد فیلم ماندگار محمدحسین مهدویان می‌اندازد. فرم لباس شخصی البته از ماجرای نیمروز عقب‌تر است و برخی ضعف‌های فیلمنامه هم قابل کتمان نیست اما برای کار اول، امیرعباس ربیعی گل کاشته. سینمای سیاسی در ایران سابقه درخشانی ندارد.

انبوه فیلم‌های ضعیف با خرواری ادعای ایدئولوژیک که در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب ساخته شدند، معدود آثار درخشان سیاسی سینمای ایران را تا سال‌ها به حاشیه رانده بودند اما همه ۹۰ را می‌توان دهه رستاخیز سینمای سیاسی در ایران دانست. لباس شخصی با توجه متواضعانه به ارزش‌های فرمی و تلاش هوشمندانه برای سرگرم کردن مخاطب، یک تریلر سیاسی شریف است. یک اثر ایدئولوژیک با پیام‌های آشکار سیاسی که البته بیش و پیش از این پیام‌ها، یک فیلم خوب است؛ فیلمی که برای مخاطب احترام قائل می‌شود. فیلمی که یک قصه‌گوی خوب است و طراحی روایت درستی دارد. در کنار این فرم و این طراحی ارزشمند، تلنگری عمیق هم درباره مساله «فقود» به مخاطب می‌زند و دستاوردهای فیلم اول امیرعباس ربیعی را بیشتر می‌کند. نام این کارگردان جوان را باید به خاطر بسپاریم. او با همین فیلم اول نشان داده حرف‌های زیادی برای گفتن دارد.

فیلم فجر

غنیمت «روز صفر»

ادامه از صفحه اول
البته نقش‌های فیلمنامه‌ای در فیلم کم نیستند. بهرام توکلی و سعید ملکان در فیلم‌های قبلی‌شان هم کمتر به پلات اعتقاد داشتند. از این منظر فیلم تازه‌شان داستانی‌ترین کارشان است که باز هم با مشکل پلات مواجه است و یک‌سوم ابتدای فیلم با کمبود قصه مواجه است. البته این نقص هم دلیل مهمی دارد؛ سینمای ایران تجربه ساخت چنین آثاری را ندارد و کارگردان یا فیلمنامه‌نویس برای شخصیت‌پردازی هیچ راه دیگری جز الگو گرفتن از نمونه فیلم‌های جاسوسی معتبر سینمای جهان ندارد. برای همین است که فرم و است برخی نقدها به ویژگی‌های شخصیتی نیروی امنیتی قابل تأمل باشد.

درباره پایان‌بندی هم می‌شود با نگاهی نقادانه فیلم را بررسی کرد اما احتمالاً باز ضمیمه واقعیت دلیل متوسط در آمدن سکانس پایانی شده است. مسأله فرود هواپیما و بازداشت کمی فاقد جزئیات است ولی می‌شود بی‌خیالش شد، چرا که برای امنیت فیلم کم ساخته‌اند و همین در سینمای ما غنیمت است.

پیامبر اعظم (ص)

همانا فاطمه در روز قیامت برای کسی که محب و دوستدار او و فرزندانش باشد، شفاعت می‌کند و خداوند شفاعت او را درباره این افراد می‌پذیرد و آنها را با شفاعت او وارد بهشت می‌کند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
سرمدیز: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج) کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۴
تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۲۳
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
info@vatanemrooz.ir
پست الکترونیکی: ۱۰۰۰۲۳۳۱
پلاک: ۶۱۰۸۶۱۶۲۴
سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۲۴
چاپ: موسسه چاپ‌مهر بزرگ برنا



«شنای پروانه» چگونه دو قطبی موجود در سینمای موسوم به اجتماعی را زیر سؤال می‌برد

نه انفعال، نه لات‌بازی



اصغر فرهادی گاهی موفق به رعایت این مولفه نمی‌شود. او در «فروشنده» بنای معما دارد اما مخفی‌کاری می‌کند به جای اینکه قصه‌ای بگوید و مخاطب بپرسد: «بعدش چه خواهد شد؟». در باره «شنای پروانه» نه پنهان‌کاری داریم، نه شامو‌تری‌بازی‌ای اتفاق می‌افتد. از ابتدای فیلم، ما می‌توانیم دلیل اتفاقات بعدی را حدس بزینم اما باز کارگردان غافلگیرمان می‌کند. همین غافلگیری‌هاست که بحران فیلم را نفسگیر می‌کند و تعلیق را معنادار. از طرفی محرک و انگیزه اصلی انتقام «حجت» را که مهم‌ترین لازمه قصه انتقام است، به شکل درستی در فیلم می‌بینیم. «حجت» با بازی خوب «جواد عزتی»، به دنبال

گزارش «وطن امروز» از متن و حاشیه دومین روز جشنواره فیلم فجر در سالن رسانه‌ها

از پختگی سینمای کارت تازشتی توهمان فرشباف

فیلمسازی یا پرتره‌سازی
مسئله این است



نشست خبری فیلم سینمایی «بی صدا حلزون» به کارگردانی بهرنگ ذرفولی‌زاده دومین نشست بود که در روز دوم برگزاری جشنواره فیلم فجر با حضور اهالی رسانه در پردیس ملت برگزار شد. در این نشست بهرنگ ذرفولی‌زاده، کارگردان این فیلم در مواجهه با انتقاداتی در ارتباط با نشانه‌هایی از تبلیغات سازمان‌هایی همچون بهزیستی در این فیلم، در دفاع از خود گفت: «کاشت حلزون بخشی از قصه فیلمنامه من است که درام قصه را پیش می‌برد، تعداد زیادی دوست دارند جراحی کنند. کاشت حلزون از دی سال ۷۱ وارد ایران شد. باورهای ناشایبان درباره کاشت حلزون تغییر کرده اما باور برخی به‌روز نیست. در بیان مسأله کاشت حلزون ذی‌نفع نیستیم به بخوایم تبلیغ کنیم».

زنان سرتراشیده
پدیده جدید فجر!

یکی دیگر از اتفاقات عجیب در ارتباط با فیلم‌های نمایش داده شده در ۲ روز اول جشنواره فیلم فجر در سالن رسانه‌ها، نمایش زنانه‌ی سر تراشیده در فیلم‌ها بود. از ۶ فیلم نمایش داده شده در این دو روز ۲ فیلم «سه کام حبس» و «شنای پروانه» شخصیت زنی در قصه خود داشتند که با سر تراشیده در مقابل دوربین ظاهر شده بود. البته این موضوع حاشیه‌هایی هم داشت؛ مثلاً پانته‌ا بهرام که یکی از بازیگران مورد اشاره هم بود، با حضور در نشست خبری جشنواره فجر برای ایجاد جلب توجه به خود با همان سر تراشیده و حجابی عجیب و غریب در نشست خبری جشنواره حضور پیدا کرد و چند دقیقه‌ای سوزه عکاسان شد.



۳۰ سال تحقیق
برای ساخت یک فیلم!



نشست خبری فیلم سینمایی «شنای پروانه» به کارگردانی محمد کارت اولین نشست بود که در روز دوم برگزاری جشنواره فیلم فجر در سالن رسانه‌ها برگزار شد. محمد کارت در ارتباط با ماجرای پرپیچ و خم ساخت این اثر به عنوان اولین فیلم سینمایی‌اش گفت: پروژه ساخت این فیلم پیچیده بود، چرا که داستان فیلم متفاوت بود. شنای پروانه فیلمنامه‌ای پر فراز و نشیب داشت و تحقیق برای این فیلم برای من ۳۰ سال طول کشید، چرا که من چچه همین قشر از جامعه هستم. من سوزه‌های خود را از فضای مجازی پیدا نمی‌کنم، قهرمان این فیلم از دل جامعه آمده است.

مطمئننی حاجی همه فیلم رو دیده؟!

اما بدترین پایان برای روز دوم جشنواره فیلم فجر در سالن رسانه‌ها، نمایش شدت کسل‌کننده «تومان» بود؛ فیلمی که بسیاری از اهالی رسانه از دلایل حضور آن در بخش سودای سیمرغ جشنواره امسال متعجب شده بودند. نکته جالب در ارتباط با این فیلم اظهار نظر مرتضی فرشباف در نشست خبری فیلم بود. فرشباف در پاسخ به خبرنگاری که از احتمال اکران نشدن فیلم «تومان» به دلیل موضوعات مطرح شده در آن پرسیده بود، با اشاره به سعید سعدی، تهیه‌کننده این فیلم گفت: حاجی (سعید سعدی) پشت‌مان است، فیلم را اکران می‌کنیم! اما این اظهار نظر فرشباف در شرایطی مطرح شده که او «تومان» اثری در نقد و نفی «قماربازی» نیست، بلکه قهرمان اصلی قصه یک قمارباز است که با وجود ضعف‌های رفتاری متعدد اما در نهایت هم هوای دوستانش را دارد و هم سودی میلیاردری از قماربازی به دست می‌آورد. ثانیاً فیلم پر است از صحنه‌های غیراخلاقی و عجیبی که تناسبی با فرهنگ جامعه ندارد که برای نمونه سکس‌های نمایش سرپا انداز کردن بازیگران اصلی و همچنین ارتباط غیراخلاقی کاراکتر «آلین» و «عزیز» در خانه عزیز تنها بخشی از آنهاست. حلال سوال آنان را می‌توان تنها به علقه نویسنده و مطمئننی حاجی همه فیلم را با دقت دیده و قرار است با این شرایط حامی اکران آن باشد؟!



خوب» و «فیلم بد» است. فیلم اگرچه به روایت نقش اول مرد جلو می‌رود اما از میانه راه کارگردان نظرگاه درست را از نگاه زن قصه روایت می‌کند؛ زنی که با فیلم‌فارسی‌های مورد علاقه داوود (حامد بهداد) میانه‌ای ندارد و تلاش دارد به او بفهماند فیلم می‌تواند در کنار فرم خوب، محتوای قابل قبول هم داشته باشد. شاید بتواند نظرگاه الهه (آناهیتا درگاهی) در فیلم را همان نظرگاه امام به سینما تفسیر کرد که «ما با سینما مخالف نیستیم؛ با فحشا مخالفیم». اگر چه الهه نیز بر اساس آنچه نویسنده نگاهش، فیلم خوب را محدود به چند شخصیت می‌کند؛ «امیر نادری»، «بهرام بیضایی» و «ناصر تقوایی». در حالی که در آن زمان چهره‌های مهمی چون «مهرجویی»، «کیمیایی»، «علی حاتمی» و دیگری نیز بودند که نیابردن اسم آنان را می‌توان تنها به علقه نویسنده و کارگردان به چند نفر وابسته دانست.

استفاده درست از نوستالژی، دیالوگ و ارجاعات تصویری به تاریخ سینمای ایران باعث شده فیلم برای مخاطب لذت‌بخش شود. خاطرات بسیاری برای مخاطب زنده می‌شود و فیلم برای همه رده‌های سنی قابل استفاده می‌شود.

فیلم اما به لحاظ فرمی هم قابل قبول است. دوربین و شویم، غافلگیری می‌شویم. این ساختار منظم در کنار زبان طنز فیلم باعث می‌شود گذر زمان برای مخاطب حس نشود. البته فیلمساز در لابه‌لای این شوخی‌ها و خنده‌ها سعی می‌کند حرفش را نیز محکم بزند و برای مخاطب نیز حرف تعظیمین می‌شود. پیرنگ عاشقانه برای روایت داستان سینما و آدم‌های عشق سینما، البته کمک کرده قصه در کنار طنز بودن احساسی هم باشد و مخاطب در گیرودار رسیدن‌ها و نرسیدن‌های شخصیت‌ها به یکدیگر نیز درگیر باشد.

بخش زیادی از فیلم در بستر بیان داستان سینما، فاصله‌گذاری بین مخالفان سینما، موافقان سینمای فیلم‌فارسی و موافقان سینمای آگاهی‌بخش است. یک دوگانه بین داوود و آقا دانشیر که درباره اصل سینما بحث دارد؛ دوگانه‌ای که خود را در این دیالوگ نشان می‌دهد. «باوود سینما اونجوری نیست که شما فکر می‌کنید. شما هیچوقت نرفتید سینما، شما از سینما فقط برای خودتون به چیز سیاه کثیف ساختید. برای به بار هم شده برید سینما و فیلم خوب ببینید ببینید که دیاتون چقدر عوض شده.

آقا دانشیر: من به فکر دنیا می‌نویسم، به فکر آخرتم.»
و دوگانه مهم‌تر در فیلم بین «باوود» و «الهه» بر سر «فیلم

فیلم اما به لحاظ فرمی هم قابل قبول است. دوربین و